استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net

حمید انوری سه شنبه ۲۴ نوامبر ۲۰۲۶

تعصب،ماهیت و پیامد های آن

قسمت بیست و چهارم

[تبعیض و رابطهٔ آن با تعصب

تبعیض در اصطلاح جامعه شناسی عبارت از برخورد نا برابر و متفاوت، پاداش نابرابر و متفاوت یا رجحان بالمرجح در برابر افراد مختلف غرض استفاده از حقوق، پاداش و مزایای اجتماعی در موارد حقوق وکار همسان و همگون میباشد. یعنی اینکه با افراد بنابر عقاید، رنگ پوست، جنسیت، عضویت درسازمانهای سیاسی و اجتماعی، سن و یا گرایشهای جنسی شان حین توزیع ثروت و امتیازات مادی و معنوی برخورد متفاوت ویا ناعدلانه (ناعادلانه) صورت میگیرد...]

یعنی درست همان کاری که توسط حزب نادیموکراتیک جناب"عبدالقیوم میرزاده" در هنگام قدرت مداری آنان بصورت وسیع صورت گرفت و جناب"میرزاده"، قنسل شد و جنرال قنسل و چند چیز دیگر و ایشان سر را بروفق عادت به زیر انداخته و مشغول شدند و هیچ صدای اعتراضی از ایشان شنیده نشد. ایشان درست زمانی "... منحیث کادر حرفویی در شعب ناحیویی و ولایتی حزب وطن و معاون ریاست تشکیلات شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان و در وزارت امور خارجه افغانستان به سمت های مختلف تحلیل گر سیاسی و امور قونسلی و همچنان بحیث جنرال قونسل افغانستان در شهر پشاور پاکستان ایفای وظیفه کرده است..."(گرفته شده از سوانع جناب شان در همان سایت بی در و پنجرهٔ افغان – جرمن آنلاین)

که افغانستان تحت اشغال ددمنشانهٔ عساکر وحشی و خون ریز روسی قرار داشت و شب و روز بلاوقفه تحت شدیدترین بمباردمان متجاوزین خونریز و ددصفت روسی قرار داشت و...

و ایشان امروز از کنج خلوت و آرام اروپا، به فکر خود قلم فرسائی نموده و مشغول گردآوردن یک مشت جفنگ بی ارزش و به دردنخور بنام "کتاب" است که در افغانستان هیچ ناشری حاضر به چاپ آن نشد و اکنون سر از :افغان- جرمن" بدر آورده و به حیث سیاهی لشکر ایله جار از آن استفاده

کرده و به گفتهٔ مشهور وطنی ما " صد خروار آب گنده، به کار حمامی"، حتی کس یا کسانی در آن سایت بی در و پیکر حاضر نیستند، لااقل آن سفسطه ها را گویا "آدم دستور" سازند و همانگونه بی نظم و کج و معوج توسط خود جناب" میرزاده"، آنلاین می شوند که حتی از یک دست ساختن دوصفحه هم عاجز است و هنوز آنرا فرا نگرفته است.

اگر همین دو صفحه را هم به دقت مطالعه کنند و بعد آنرا به نشر بسپارند، به یقین آن دوصفحه مشابهت کامل به چمن حضوری کابل در ایام جشن استقلال بهم خواهد رسانید و همهٔ آن با چراغ های سرخ و سبز مزین خواهند شد...

من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم
تو خواه از سخنم پند گیر، خواه ملال
نصیحت همه عالم چو باد در قفس است
به گوش مردم نادان، چو آب در غربال

ادامه خواهد داشت...